

## عقاید و آراء

علی مؤید ثابتی

### شعر فارسی مظهر حیات ملی ایرانیان

از مقاله "ممتع و علمی که در تحت عنوان "چهار پرسش در باره" شعر امروز" در اولین صفحات آن محله شریفه مرقوم شده بود خیلی استفاده کردم، بخصوص اینکه آن مقاله بدیع با نام افلاطون و ارسطو شروع و به نام نیما یوشیج خاتمه یافته بود. در آن مقاله نام چند نفر از شخصیت‌های علمی و ادبی زمان قدیم از قبیل ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی و نظامی عروضی و شمس قیس رازی بعلاوه نیما یوشیج ذکر شده بود. اما من ندانستم که تناسب بین نیما یوشیج و آن رجال نامبرده چه بوده است که نام او را نیز جابجا در آن مقاله در بین اسامی آن شخصیت‌ها جا داده‌اند. جالب اینکه نویسنده محترم با کلمات شیوا و حملات زیبا فاصله چند قرن را طی فرموده یک رشته اتصالی بوجود آورده‌اند و خواجه نصیرالدین طوسی را با نیما یوشیج پیوند داده‌اند و اینطور بیان فرموده‌اند "که خواجه نصیرالدین طوسی در شعر معیاری پدید آورد که بعد از ۷۵۰ سال "شعر نیمائی" را با آن میتوان سنجید

وقتی مجموع این مقاله را تجزیه و تحلیل کنیم می‌بینیم که نویسنده محترم سعی بلیغ فرموده است با اقوال و اظهار نظرهای رجال گذشته و اقامه دلیل و برهان اینطور نتیجه‌گیری کند که وزن و بخصوص قافیه در شعر فارسی چندان مورد نظر نبوده است. در صورتیکه بموجب همان اقوالی که خود شاهد آورده‌اند اکثر و شاید همه دانشمندان متفق‌القول هستند که شعر عبارت از کلماتی موزون و مقفی است که دارای مفاهیم و معانی باشد. چنانچه همانطور که نویسنده محترم خود از شمس قیس رازی نقل فرموده‌اند وی شعر را به سخنی اندیشیده، مرتب، مقفی، موزون مکرر متساوی تعریف کرده که باید حروف آخرین آن بهم مانده باشد. نیز در جای دیگر از مقال گفته خواجه نصیرالدین طوسی را با این عبارات نقل می‌فرمایند "و محققان متأخران شعر را حدی گفته‌اند جامع

دو معنی بروحه اتم و آن این است که گویند شعر کلامی است مخیل مؤلف از اقوال موزون متساوی مقفی". همهٔ علما و دانشمندان و شعرای بزرگ همین عقیده را دارند و میگویند که شعر باید دارای وزن و قافیه و مفهوم باشد. وقتی که این تعریف را قبول کردیم خود بخود شعر نو و سروده‌هایی از قبیل گفته‌های نیما نغی میشود. چون شعر نو فاقد مضمون و قافیه و وزن و معنی است و تنها خاصیت شعر نو این است که باید کلمات کوتاه و بلند آن را مثل خط چینی بطور عمودی زیر هم نوشت که حکمتش معلوم نیست چیست؟

در آن مقاله این موضوع ذکر شده است که قدما شعر بی‌وزن و قافیه یا کوتاه و بلند می‌گفته‌اند و برای تأیید این مطلب اشعار مستزاد را مثال آورده‌اند. در صورتیکه شعر مستزاد که در حقیقت یک نوع تغنن ادبی است یکی از بحور شعر فارسی هم دارای وزن و هم قافیه میباشد و هرگز شباهتی به شعر نو ندارد. شعر نمیتواند هرگز از قالب‌ها و شکل‌ها و اصولی که از قرن‌ها پیش و شاید پیش از اسلام برای آن وضع شده است تخطی نماید. زیرا شعر مانند موسیقی است. اگر یک سازی را ما بدلبخواه خود و خارج از نت بصدا در بیاوریم اصوات کریه و نامطبوعی از آن خارج میشود.

هنر شعر و نقاشی مانند فن معماری دارای اصول و قواعدی است که آن اصول و قواعد عامل و فاعل آن را به مقرراتی ملزم میسازد. برای همین است که مقام آن برای هر کس به آسانی میسر نیست و وصول بآن زحمت دارد. اگر غیر از این بود همهٔ افراد مردم بدون هیچ زحمت و مرارتی میتوانند هنرمند بشوند و مانند نوپردازان عصر ما بدون هیچ اشکال و دردسر شعر بگویند.

نویسندهٔ محترم که گویا هدفشان در آن مقاله بزرگداشت نیما یوشیج علیه‌الرحمه بوده است در یکجای مقال خود میفرمایند "سخن نیما این بود اگر لفظ قافیه شما را از بیان مقصود دور و گرفتار معانی دور از مقصود نمیکند می‌توانید شعر قافیه‌دار بسازید. اما اگر مضمونی که در ذهن شماست مثلاً" به عبارتی درمی‌آید که آخرش کلمهٔ لنگر است چه ضرورتی دارد که بخاطر قافیه خودتان را دچار واژهٔ کنگر کنید که جز در آن مثل معروف در جای دیگر به لنگر مربوط نمیشود" و نویسندهٔ محترم علاوه بر نقل قول نیما میفرماید آنچه نیما در بارهٔ وزن و قافیه گفته تکرار سخن خواجه نصیر است.

اولاً" بنده که خود گاه شعر می‌گویم باید از مرحوم نیما خیلی ممنون باشم که در اول بیان خود اجازه داده است که شعر با قافیه نیز ساخته شود. ثانیاً" عرض میکنم که مرحوم نیما چه اجباری داشته‌اند که شعر بسازند که به قافیه‌اش گیر کنند.

اگر چنان مطالب عالی‌های در ذهنشان بوده است که امکان داشت خطر قافیه آن

مطلب را به مهلکه بیندازد لازم نبود آن مطلب را بشعر بگویند آنها با آن کلمات ! ایشان بهتر بود که آن مطالب عالیه را به نثر مرقوم میفرمودند تا خود و ما را دچار عذاب نمیساختند . مگر ایشان چه اندیشه آسمانی داشته‌اند که گفتن آن با رعایت وزن و قافیه میسر نبوده است . بنده که چنین تعریفی از ایشان شنیده‌ام .

شاعری که استاد و سخندان است هیچوقت اسیر قافیه نمیشود . بلکه این کلمات و الفاظ و قوافی است که مانند ابزار و آلات کار در فرمان شاعر است .

اینکه فن سابقه یا معائنه را در شعر عنوان دروغ گوئی داده‌اند گمان نمیکنم دادن چنین نسبتی به بزرگان ادب سزاوار باشد . یک نقاش اگر برتره کسی را دوبرابر اندازه معمولی و طبیعی رسم نماید یا اگر یک حجار مجسمه‌ای را چند برابر اندازه عادی از کار درآورد ما هیچوقت نمیگوئیم که آنها در هنر خود دروغ گفته‌اند .

تمام موجودات و همه عالم کائنات در حیطه تخیل شاعر مانند بازیچه‌هایی است که آنها را شاعر تحت اختیار میگیرد و با قدرت کلام خود از آنها تصویرهایی وهم‌انگیز میسازد . کوهی را گاه و گاهی را کوه مینکند و بقول شاعر لوح مکنونات را گرد سر میگرداند و بهر کجا میخواهد پرتاب مینماید . اینها هنر شاعر و قدرت فکر و قوه بیان اوست . او از یک شیء ناچیز ، از یک شمع ، یک گل ، یک پروانه ، افسانه مطبوعی را بوجود میآورد که هر خواننده و شنونده‌ای مسحور آن میشود . اگر سعدی از قول پروانه داستانی نقل میکند ما نمیتوانیم بگوئیم که سعدی دروغ گفته و پروانه هرگز چنین حرفی نزده است .

حالا واقعا بیائیم و انصاف بدهیم آیا کدام یک از موضوع‌های اجتماعی و عشقی و سیاسی و تاریخی است که آن را نتوان با کلامی شیرین و بیانی دلنشین بنظم در آورد . شعر و ادبیات فارسی مانند یک دریای بی‌پایان است ، آیا شاهنامه فرودسی و خمسه نظامی و مثنوی مولوی در بیان تاریخ و افسانه‌های عاشقانه و حکمت و عرفان چه کم و کسری دارند که ما بخواهیم آن کم و کسر را با شعر نو جبران نمائیم و آیا چقدر مضحک و خنده‌آور و بامزه خواهد شد اگر ما یک شاهنامه فرودسی یا خمسه نظامی یا مثنوی مولانا را به شعر نو دربیاوریم و بسبب مرحوم نیما مثلا کتاب منطق الطیر عطار را انشاد نمائیم . میدانم آنها که اینهمه ادعا دارند چرا یک سرگذشت تاریخی یک افسانه عشقی یا حکمت و فلسفه را با شعر نو بسبب جدید انشاد نمی‌مایند .

من میدانم چرا اینکار را نمیکنند . چون اگر چنین زحمتی بکشند نه خودشان چیزی از آن میفهمند نه دیگری !

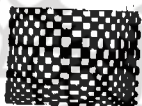
شعر فارسی باید فصیح و سلیس و روان باشد و الفاظ و کلمات هر کدام در جای خود

بکار رفته باشد. فصاحت بیان در شعر فارسی و نظم الفاظ بیشتر از مضمون در شعر اهمیت دارد. بهمین جهت است که اشعار شعرائی مانند صائب تبریزی و عاشق اصفهانی و سایر شعرای باصلاح‌هندی و عراقی باوجود مضامین لطیف و دقیق و ظریف هیچوقت نمیتواند مقام شعر رودکی یا شقیق بلخی یا فرخی سیستانی و یا سایر شعرای ترکستانی را بدست آورد.

ما اگر شعر و ادبیات را تحقیر و تعبیر کنیم گناه بزرگی مرتکب شده‌ایم. زیرا گذشته از اینکه تاریخ و زبان و ملیت ما مرهون ادبیات ماست جامعه مردم ایران با شعر و ادبیات یک نوع بهم بستگی و آمیختگی خاصی دارند و این یکی از صفات مشخصه و ممتازه ایرانی است که شعر و ادب را مایه حیات و زندگانی خود میدانند.

\* \* \*

آینده - آینده مجله‌ای است کاملاً "بیطرف برای ارائه عقاید و آراء مختلف ادبی و تاریخی. بهمین ملاحظه جوابی که شاعر و خراسانی آقای علی موید ثابتی به مقاله آقای دکتر محمد استعلامی داده‌اند درج می‌شود.



### پایکا تکنیکال سرویس

اگرچه در شماره گذشته تحت عنوان "چاپ ناخوشایند" گله‌های از خوانندگان از وضع حروف نوشته شد و گفته شد که این نوع چاپ مطلوب و خوشایند نیست، اکنون فرض است گفته شود که موءسه پایکا تکنیکال سرویس که زیر نظر آقای میرزا حسینی اداره می‌شود و حروف چینی مجله را برعهده دارد تقصیری ندارد و با دقت و علاقه این کار را انجام می‌دهند. مخصوصاً زحمات خانم نورنده و خانم کوچوئی و مراقبت شخص آقای میرزا حسینی قابل تقدیر است از جهت آن که نهایت سعی را در کار خود دارند.